

بزرگ سالی زوددرس

روایت زندگی کودکان و نوجوانانی که سختی های زندگی، آن ها را خیلی زود وارد چرخه کار و فعالیت های اقتصادی می کند

گزارش روز



معمومه قربانی روزنامه نگار

دنیای آن ها با کودکان دیگر، زمین تا آسمان فرق می کند. انگارانه انگار که باید لذت این روزهای ناب را بچشند. استثنا هم ندارد و سهمی از جمعیت هر کشور و از جمله ایران را این کودکان تشکیل می دهند. اصطلاح «کودک کار» بیشتر برای کسانی به کار برده می شود که فعالیت هایی برای آن ها تعریف شود که به لحاظ جسمی، روانی و اجتماعی برایشان زیان آور باشد یا آن ها را از فرصت تحصیل، محروم و مجبور شان کند خیلی زود ترک تحصیل کنند و تن به این کارها بدهند. متولیان مربوط به حوزه کار کودکان یا از سر محافظه کاری هیچ عدد و آماری از این جمعیت رونمی کنند یا شمار این کودکان و پهنه هایی که در آن مشغول فعالیت هستند، آن قدر گسترده و وسیع است که به گفته خودشان، رقم دقیق و جامعی از آن هاندارند. اما چه آمار مشخص شده ای در این زمینه باشد یا نه، مهم علت این معضل است و همه صحبت ها و گفت و گوهایی که با کارشناس های مختلف می شود، حکایت از آن دارد که فقر و ناهنجاری های اجتماعی، درد مشترک خانواده هایی است که کودکان آن ها مظلومانه قربانی آسیب های اجتماعی می شوند و از سر استیصال، از همان سال های اول زندگی وارد چرخه کار و دنیای بزرگ سالی می شوند.



پدرم زندگی مان را سوزاند



ندارید؟

هرچه بیشتر با کودکان کار هم کلام می شوم، بیشتر دستان می آید چرا آمار دقیق و منسجمی از این کودکان در دست نیست. ترس از بزرگ ترها و احتمال بد رفتاری از سوزی آن ها، خشونت های گزارش شده از طرف کودکان رابه حداقل می رساند و به همین دلیل بیشتر مسائل مربوط به آن ها پنهان می ماند، باین حال متولیان سازمان بهزیستی معتقدند بیشتر این آسیب ها، کودک آزاری محسوب می شود و باید دنبال کار هستیم. شما جایی کار سراغ

نمی دانیم شروع روایت های این گزارش از کجای زندگی کودکانی باشد که هیچ تصویر مشخصی از آینده خود ندارند. برخی از آن ها حتی شب هایشان را در کارگاه های بزرگ و کوچک و کنار افرادی صبح می کنند که کار را کنار آن ها مواخه اند و طعم محبت خانواده و زیستن در آن را نچشیده اند.

از روایت زندگی پسر یازده ساله ای آغاز می کنیم که به خاطر اعتیاد پدر مجبور می شود ترک تحصیل کند و برود سرکار. برایش فرقی نمی کند نامش را بنویسیم یا نه. کودکانه حرف می زند و می گوید: عباس هستم. به نظرش عباس نام خیلی قشنگی است و دوستش دارد. مثل خیلی های دیگری که هم سن و سال او هستند، بی تجربه و دنیاندیده است. حتی برایش فرقی نمی کند چه کاری داشته باشد و چقدر با سختی ها دست و پنجه نرم کند. اینکه درآمدی داشته باشد، برایش کافی است. دنیای عباس مثل خیلی کودکان دیگر بی شلیه و پیله و صاف و شفاف است؛ به همین دلیل خیلی زود شروع به تعریف کردن ماجرای زندگی اش می کند که بیشتر به ترازوی شبیه

دختر سیزده ساله ای که در خانه مردم کار می کند



تعریف می کند که بعد از آن روز لعنتی دیگر نمی خواسته زنده بماند. الهه چند ایستگاه بعد پیاده می شود اما حرف هایش هنوز در گوشه زنگ می زند.

برادر و خواهرهایم مجبور شدند یکی یکی عروس و داماد شوند. بماند که هیچ کدام از آن ها هم زندگی درست و حسابی ندارند. من ماندم و مادرم. مستاجریم. مادرم از قبل در خانه های مردم کار می کرد و بعد من هم مجبور شدم همراهی اش کنم. حالا من هم در خانه های مردم کار نظافت انجام می دهم. نه علاقه ای به درس خواندن داشتم، نه وضعیت مالی مناسبی که بتوانم درس بخوانم. تازه می فهمم نام دختر زیباروی کنار دستی ام الهه است. حرف آخر الهه، عجیب تکلم می دهد و از ذهنم پاک نمی شود، وقتی که می گوید پسر یکی از صاحبخانه هایی که در آن کار می کرده است، بلایی سرش آورده که توان گفتنش را ندارد....

سامان دهی کودکان کار، نیازمند کار جامع است



از حداقل ترین حقوق، از همان سال های ابتدایی زندگی وارد دنیای کار شوند. کنار آن ها کودکانی که غالباًشان را اتباع تشکیل می دهند، کودکان بدون شناسنامه که از حقوق مدنی بسیاری محروم می مانند و غالباً وارد باند های زباله گردی و... می شوند، نیز در زمره کودکان کار قرار می گیرند که البته بیشتر این کودکان از خانواده های کم بضاعت حاشیه نشین و مهاجر هستند. او تأکید می کند: کار، شایسته زندگی هیچ کودکی نیست و باید سیاست های هدفمند برای مصون ماندن کودکان از آسیب هاتدوین شود و سازمان های مختلف برای رسیدگی به وضعیت سلامتی و بهبود شرایط زندگی آن ها

می آیند و بر این اساس، تنها زباله گرد ها دارند. با این حال خیلی هایشان سرنوشتی متفاوت با تصورات معمول و موجود پیدا می کنند و مشکلات و معضلات، بایک گذاردن باین ناعالانه ای برای آن هاست. قوانینی برای حمایت از آن ها مصوب شده است، اما هنوز راهکار روشن و مشخصی برای نجات آنان وجود ندارد. عضو هیئت علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه فردوسی مشهد می گوید: وقتی از کودکان کار صحبت می کنیم، منظور کودکانی هستند که زیر سن قانونی به حکم خانواده یا حتی به دلخواه خودشان، وارد چرخه اقتصاد زندگی می شوند و به کسب درآمد رومی آورند. دکتر حسین اکبری براساس یافته های پژوهشی که انجام داده است، ادامه می دهد: براساس معیارهایی که سازمان بین المللی کار مشخص می کند، تقسیم بندی هایی برای فعالیت اقتصادی وجود دارد که اگر افراد در طیف های سنی زیر هفده سال، بیشتر از ساعت مشخص شده برای کار کردن وقت بگذارند تا درآمدی به دست آورند، کودک کار به حساب

می آیند و بر این اساس، تنها زباله گرد ها دارند. با این حال خیلی هایشان سرنوشتی متفاوت با تصورات معمول و موجود پیدا می کنند و مشکلات و معضلات، بایک گذاردن باین ناعالانه ای برای آن هاست. قوانینی برای حمایت از آن ها مصوب شده است، اما هنوز راهکار روشن و مشخصی برای نجات آنان وجود ندارد. عضو هیئت علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه فردوسی مشهد می گوید: وقتی از کودکان کار صحبت می کنیم، منظور کودکانی هستند که زیر سن قانونی به حکم خانواده یا حتی به دلخواه خودشان، وارد چرخه اقتصاد زندگی می شوند و به کسب درآمد رومی آورند. دکتر حسین اکبری براساس یافته های پژوهشی که انجام داده است، ادامه می دهد: براساس معیارهایی که سازمان بین المللی کار مشخص می کند، تقسیم بندی هایی برای فعالیت اقتصادی وجود دارد که اگر افراد در طیف های سنی زیر هفده سال، بیشتر از ساعت مشخص شده برای کار کردن وقت بگذارند تا درآمدی به دست آورند، کودک کار به حساب

بیشتر کودکان کار مهاجرند



خانواده نداشته باشند. کودکانی هستند که برای امرار معاش زندگی مثل بزرگ ترها صبح از خانه بیرون می آیند و شب برمی گردند. بخشی از کودکان کار را هم کسانی تشکیل می دهند که به قول خانواده هایشان، برای آموختن مهارت و هنر شاگردی می کنند و ما به دلیل اینکه آسیب های این دسته کمتر است، معمولاً وارد این حوزه نمی شویم. او ادامه می دهد: آیین نامه سامان دهی کودکان کار، مصوبه هیئت وزیران است و در این زمینه بهزیستی هم وظایف مشخصی دارد که مربوط به توانمند سازی کودکان کار است و جنبه های مختلفی دارد و توانمند سازی اقتصادی، اجتماعی و روانی را شامل می شود.

۱۲ دستگاه متولی

محدث نیز مثل متولیان دیگر بهزیستی بر ضرورت توانمند سازی کودکان کار تأکید می کند و می گوید: تیم تخصصی شامل مددکار، روان شناس و... درباره این بچه ها و خانواده هایشان تحقیق می کنند و ما به سمت توانمند سازی آن ها می رویم؛ اگر چه طبق آیین نامه اجرایی ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، دوازده دستگاه وظیفه حمایت از اطفال را برعهده دارند. علاوه بر وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت درمان، بهداشت و آموزش و پزشکی، اداره کار، وزارت

سازمان بهزیستی بزرگ ترین سازمان اجتماعی متولی رسیدگی به امور کودکان کار است و براساس قانون، شناسایی و حمایت از اطفال را با همکاری دستگاه های مختلف برعهده دارد. به گفته معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی خراسان رضوی، آمار دقیقی از کودکان کار وجود ندارد اما حدود ۶۵ تا ۷۰ درصد از کودکان کار که شناسایی و وارد چرخه حمایتی بهزیستی می شوند، از اتباع و مهاجران هستند.

حمیده محدث هنگام تقسیم بندی کودکان کار، حوزه فعالیت آن ها را گسترده توصیف می کند و می گوید: در کنار طیف وسیع کودکان زباله گرد که شایسته زندگی هیچ کودکی نیست، کودکان کار انواع مختلفی دارند. کودکان خیابانی کگل، جوارب یا آدامس می فروشند و ممکن است